info@payamdaily.ir
نخستین روزنامه صبح البرز
پیام آشنا
شماره ۱۴۸۶
دوشنبه / ۲۹ مهر / ۱۳۹۸
۲۲ / صفر / ۱۴۴۰
21 / Oct/ 2019
صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ فکس ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۸۹۷۸۶۷۳۹-۰۲۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۳/۴۶
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

نقشی بر آب می‌زنم از گریه حالیا
تا کی شود قرین حقیقت مجاز من
بر خود چو شمع خنده زنان گریه می‌کنم
تا با تو سنگ دل چه کند سوز و ساز من

غزلک

زین گذرگه
به کجا دل بندم
هر چه را می‌نگرم می‌گذرد
بیدل دهلوی

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۵۳	۰۶:۱۸	۱۱:۵۲	۱۷:۲۵	۱۷:۴۲

برگه

آنکه جرات دارد یک ساعت از وقتش را هدر دهد، هنوز ارزش زندگی اش را درک نکرده.
چارلز داروین

خبر

تاثیر خانه‌های خلاق بر تولیدات صنایع دستی

با توجه به اهمیت فناوری‌های نرم در نقشه جامع علمی کشور و در راستای تحقق اهداف چشم‌انداز کشور در افق ۱۴۰۴ ایجاد چنین فضاهایی در حوزه صنایع‌دستی با توجه به ظرفیت‌های بالایی که در این بخش وجود دارد می‌تواند از نظر اقتصادی در کشور تاثیرگذار باشد.

به‌گزارش پیام آشنا، پویا محمودیان معاون صنایع‌دستی و هنرهای سنتی کشور دراین‌باره گفت: تفاهم‌نامه همکاری که درخصوص راه‌اندازی خانه‌های خلاق ستاد توسعه فناوری‌های نرم و هویت‌ساز معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری امضا شد؛ در راستای هم‌افزایی بین ظرفیت‌های موجود این معاونت و ستاد فناوری‌های نرم و هویت‌ساز است. در این خانه‌های خلاق قرار است به‌صورت مشخص به بحث مشاوره‌های تخصصی صنایع‌دستی از تولید تا فروش، آموزش، بازاریابی و بازارسازی، بازارداری و برگزاری جلسات توفان فکری بین صاحبان ایده در حوزه صنایع‌دستی و در خانه‌های خلاق پرداخته شود. در واقع این خانه‌ها بستری خواهند شد برای اینکه به ظهور و بروز ایده‌های خلاق در حوزه صنایع‌دستی برسیم و بتوانیم سهم بیشتری از بازار را به آن اختصاص دهیم

محمودیان افزود: اولین خانه خلاق کشور در استان سیستان‌وبلوچستان افتتاح خواهد شد و با برنامه‌ریزی‌هایی که برای خانه‌های خلاق شده قطعا در آینده‌ای نه‌چندان دور شاهد افتتاح تعدادی از این خانه‌ها در استان‌های مختلف خواهیم بود که می‌تواند به مکانی برای بحث‌وتبادل‌نظر، مشورت‌وتصمیم گیری‌های بهتر چه در حوزه تولید و چه در حوزه فروش و اصولا آموزش‌های بهتر در حوزه صنایع‌دستی منجر شود که تفاهم‌نامه امروز نیز در راستای همین مساله بود. سیدمحمدحسین سجادی‌نیری دبیر ستاد توسعه فناوری‌های نرم و هویت‌ساز معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری نیز درباره این تفاهم‌نامه و نتایج حاصل از آن گفت: هدف ما ایجاد عناصری است که در آن اکوسیستم به‌درستی کار کند تا بتوانیم صنایع‌دستی را با فضای موجود کشور که حوزه کارآفرینی، نوآوری و معاصرسازی است، پیوند دهیم و ایده‌های نوآورانه به آن تزریق کنیم تا موجب تولید محصولات جدید شود.

گزارش

تدوین شیوه‌نامه پوشش بازیگران در مراسم عمومی؛

شورای سلبریتی‌ها در وزارت ارشاد

انگار حاشیه و جنجال قرار نیست دست از سر سینمای ایران بردارد. آن هم حواشی و جنجال‌های خودساخته برای مسائلی که در دنیای سینما اتفاقی عادی به‌شمار می‌آید. اما این‌جا همان مسائل حاشیه می‌شوند و جنجال می‌سازند. جنجال‌هایی که سینمای نحیف ما را نحیف‌تر از پیش هم می‌کند.

همین چند روز پیش زمانی که یکی از بازیگران تلویزیون آماده می‌شد تا خود را به مراسم اکران خصوصی فیلم مسخره‌باز برساند، اگر می‌دانست که با نوع پوشش خود یکی از بزرگترین جنجال‌های چند وقت اخیر سینما را خواهد ساخت، بی‌تردید یا لباسش را عوض می‌کرد یا اصلا به آن مراسم نمی‌رفت. اما او علم غیب نمی‌دانست، یا شاید هم متوجه نبود که این‌جا رفتارهای مشابه با توجه به شرایط ممکن است موجب عکس‌العمل‌های متفاوت شود. متین ستوده (که همین روزها سریال فوق‌لیسانسه‌هایش روی آنتن خواهد رفت) بی‌شک فکر کرده بود که ظاهرش تفاوتی با دیگر بازیگران ندارد. اما...

آغاز جنجال

انتشار عکس‌های مراسم اکران مسخره‌باز، متین ستوده را سیبل منتقدانی کرد که انگار تمام عصبانیت‌شان از شرایط جامعه و سینما را می‌خواستند بر سر او خالی کنند. چنین شد که فضای مجازی پر شد از انواع و اقسام اعتراض‌ها و انتقادها. انتقاداتی که طیف‌های مختلفی را شامل بود، یعنی هم کسانی که این پوشش را در تضاد با فضای فرهنگی کشور می‌دانستند به خاتم بازیگر اعتراض کردند و هم گروهی که ادعا داشتند اگر مردم عادی چنین پوششی داشته باشند، حتما پلیس به آنها تذکر خواهد داد. انتقادات تا جایی پیش رفت که این بازیگر عمدتا تلویزیونی مجبور به پاسخگویی شد و از منتقدانش عذرخواهی کرد: «قصد نداشتم برخلاف موازین جمهوری اسلامی اقدامی انجام دهم و نمی‌خواستم جلب توجه کنم. قصدم این بود لباسی بپوشم که آراسته باشد. اما اگر مردم آن را نپسندیده‌اند، شخصا عذرخواهی می‌کنم.»

ساماندهی سلبریتی‌ها

ماجرا داشت از یادها می‌رفت، مثل تمام حواشی این شکلی دیگر. اما گفته‌های حجت‌الاسلام سیدصادق طباطبایی‌نژاد در یک برنامه تلویزیونی که خبر از تشکیل شورای سلبریتی‌ها در وزارت ارشاد داد، معلوم کرد عزمی جدی برای ساماندهی پوشش چهره‌های هنری در کار است. حجت‌الاسلام طباطبایی‌نژاد با اشاره به این‌که «حضور بازیگران و نحوه پوشش آنها واکنش‌هایی را به دنبال داشته»، گفت: «لازم است با بررسی جدی در این زمینه سازوکار مشخصی برای برخورد با نمایش‌های خصوصی داشته باشیم و از وزیر ارشاد توضیح می‌خواهیم که راهکارهایش برای مقابله با این ناهنجاری‌ها چه خواهد بود.» طباطبایی‌نژاد در پایان یادآور شد: «به‌زودی دعوت‌نامه کمیسیون فرهنگی مجلس به وزیر ارشاد ارسال خواهد شد.» البته خبر دعوت از وزیر ارشاد به مجلس را روز گذشته حجت‌الاسلام احمد سالک، نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس نیز رسانه‌ای کرده بود: «فارغ از وزیر ارشاد ما به نماینده صداوسیما در مجلس هم تذکر دادیم که باید اقدامی جدی انجام دهند. حتما وزیر ارشاد که مسئول مستقیم کنترل این مسائل هستند، باید مورد سوال جدی قرار بگیرند.» خبر تشکیل شورایی برای تصمیم‌گیری درباره ظاهر و پوشش اشخاص بعد از انتشار با واکنش‌های مختلفی مواجه شد. در شرایطی که عده‌ای از این اقدام بشدت حمایت کرده و گفتند که سینما و تلویزیون ما در حال حاضر نیاز شدیدی به کنترل دارد، بسیاری نیز بودند که این شورا را نوعی بازگشت به دهه ۶۰ و قوانین کنترل‌کننده آن دوران عنوان کردند که فیلم‌ها حتی برای عکس‌ها و پوستر فیلم‌ها و قبل از آن حتی برای حضور بازیگران در فیلم‌ها نیز باید از ارشاد مجوز می‌گرفتند. اما برخی از انتقادات به موارد دیگری اشاره داشتند. طبق نظر بسیاری از آن‌جا که حواشی اخیر را بازیگری ایجاد کرده که عمده حضورش در عرصه بازیگری در حوزه تلویزیون و سریال بوده (جالب این‌که بسیاری از دیگر چهره‌های خبرساز فضای مجازی هم عمدتا بازیگران تلویزیونی هستند) دلیلی ندارد وزیر ارشاد پاسخگوی افعالی باشد که خودتفتیشی در ایجاد یا توانی برای کنترل‌کردنش ندارد. از نظر این منتقدان اگر قرار باشد وزیر ارشاد برای پاسخگویی درباره این حواشی به مجلس برود، از رئیس سازمان صداوسیما نیز باید چنین دعوتی به عمل آید که بیش از تیمی از حواشی را با بازیگرانی ساخته‌اند که کارنامه‌شان مملو از سریال‌های تلویزیونی است. این منتقدان مواردی چون مریم معصومی، ریحانه پارسا و بی‌شمار مورد دیگر را در این زمینه مثال می‌زنند.

پاسخ به انتقادات

وزیر ارشاد خیلی زود پاسخ منتقدان را داد و در جمع خبرنگاران با اشاره به این‌که «کسی از ارشاد برای حضور در اکران‌های خصوصی اجازه نگرفته است»، مراسمی چون اکران‌های خصوصی را «فضاهای غیررسمی» خواند که ارشاد کنترلی روی حضور هنرمندان در آنها ندارد: «این هنرمندان از کسانی هستند که در برنامه‌های تلویزیونی نیز حضور دارند. همچنین فضای آن‌جا، فضای رسمی نبوده که این بازیگران بخواهند از وزارت ارشاد برای حضور اجازه بگیرند.» مسعود نجفی، مدیر روابط عمومی سازمان سینمایی البته پاسخی مفصل‌تر داشت و خبر از «تهیه یک دستورالعمل درخصوص پوشش نامتعارف برخی بازیگران» داد: «طبیعی است که حرکات خلاف عرف پذیرفته نیست و مورد اخیر بیشتر بازیگران مطرح در تلویزیون بودند و سینما هم فرقی نمی‌کند. درحال تهیه دستورالعملی هستیم تا چهره‌های هنری، سینمایی و ورزشی که در برنامه‌های مختلف حضور پیدا می‌کنند، اصول و چارچوب‌ها را رعایت کنند و این دستورالعمل تا هفته آینده نهایی خواهد شد.» مدیر روابط عمومی سازمان سینمایی در ادامه بر اجرای طرح لباسی واحد و رسمی برای چهره‌ها تاکید کرد: «در چندسال اخیر جشنواره فجر درخواست ما این بود که عوامل با لباس رسمی حضور پیدا کنند تا هم شأنیت مراسم و هم افراد رعایت شود. اگر به این سمت برویم، اتفاق خوبی رخ خواهد داد.» وعده‌ای که به‌خصوص به‌خاطر تاکید بر «لباس واحد و رسمی» باعث انتقاداتی شده است.

حواشی پررنگ مربوط به لباس و پوشش بازیگران سابقه‌ای چندین ساله در سینمای ما دارد. یعنی درست از زمانی که فضای اجتماعی و فرهنگی کشور در قیاس با اوایل دهه ۷۰ رو به تغییر گذاشت، مراسم و جشنواره‌های سینمایی با این موضوع درگیر بودند که گاه در مواردی مانند جشن خانه سینما یا جشن حافظ در سال‌های انتهایی دهه ۸۰ به دادگاهی‌شدن برگزارکنندگان نیز انجامیده است. بسیاری بر این عقیده‌اند که این حواشی ریشه در پدیده رد کارپت دارد. دنیایی عجیب، جالب و پرحاشیه که باعث می‌شود هنرمند در یک آن، بیش از تمام تلاش‌هایی که در زمان ایفای نقش کرده، دیده شود. در حقیقت کافی است بازیگر دو قدم روی فرش جلاب قرمز راه برود تا ناگهان نگاه رسانه‌ها متوجه او و لباس و ظاهرش شود. می‌گویند این حد توجه به ظواهر خاصیت فرش قرمز است. پدیده‌ای که گروهی آن را با انگ ابزاری برای سرمایه‌داری و غرب‌زدگی زیر سوال می‌برند. اما از نگاه عده‌ای نیز از ملزومات ستاره‌سازی است. از نگاه این گروه حواشی رد کارپت‌ها در سینمای ما ریشه در این دارد که خود ما نیز نمی‌دانیم در پی چه نوع سینمایی هستیم. وقتی بنا بر جلب نظر مخاطب گذاشته می‌شود، ملزومات و قواعدی دارد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت.

خاص بودن را با عجیب بودن اشتباه گرفته‌اند

اما این‌که چرا برخی از بازیگران روی به پوشش غیرمتعارف می‌آورند، موضوعی است که طلیعه ایمانی، طراح لباس که تاکنون چندبار لباس‌های بحث‌انگیزی برای نوید محمدزاده طراحی کرده، آن را به‌واسطه «شخصیت آن بازیگر» می‌داند: «شخصیت بازیگر عامل مهمی در طراحی لباس‌هایش است. همین که محمدزاده با هر طراحی که کار می‌کند، لباس‌های متفاوتی می‌پوشد، یعنی او از طراح چنین چیزی را طلب می‌کند و از این که سراغ طرح‌های جسورانه برود، هیچ ابایی ندارد.»

اما مریم بهرمان با اشاره به این‌که «بیشتر هنرمندان ما درست لباس پوشیدن را بلد نیستند و با لباسی که باید به کافه رفت یا در میهمانی خودمانی شرکت کرد، در جشنواره حاضر می‌شوند»، به وجه دیگری از ماجرا اشاره می‌کند: «متفاوت و خاص‌بودن خیلی خوب است، اما بعضی‌ها، خاص‌بودن را با عجیب‌وغریب‌بودن اشتباه گرفته‌اند. این را در سبک بعضی از بازیگرانی که حتی سیمرغ گرفته‌اند هم می‌بینیم. لازم نیست همه کت‌وشلوار دامادی بپوشند، اما باید لباس رسمی و متفاوتی بپوشند که در شأن بازیگر باشد.»

پولادامین

بریده جراید

روایت حمید حسام از نگاه قیصر امین‌پور به ادبیات انقلاب و دفاع مقدس

مهر- نشر شهید کاظمی به تازگی کتابی را با عنوان «در جستجوی مهتاب» منتشر کرده است که شامل گفتگوی بلند حسین قرایی با حمید حسام است. نام حمید حسام در سال‌های اخیر بیش از هر چیز با کتاب‌های «آب هرگز نمی‌میرد» و «وقتی مهتاب گم شد» گره خورده است؛ دو کتابی که برای وی جایزه ادبی جلال آل احمد و تقریظ رهبر انقلاب اسلامی را نیز به ارمغان آورده است. با این همه حسام سال‌ها پیش از تالیف این دو کتاب به عنوان مدیر بخش ادبیات بنیاد حفظ و نشر آثار دفاع مقدس و نیز نویسنده و تحصیل کرده در رشته ادبیات و یکی از بانیان ایجاد رشته کارشناسی ارشد ادبیات پایداری در دانشگاه‌ها برای فعالان این عرصه شناخته شده بود.

حسام در کتاب «در جستجوی مهتاب» و در بخشی از خاطراتش به روایت‌های نابی از قیصر امین‌پور شاعر نام‌دار معاصر پرداخته است و به نوعی بخشی از مسلک و مرام او را بازگو می‌کند که بازخوانی آن همزمان با انتشار این کتاب خالی از لطف نیست.

حسام در بخشی از این کتاب درباره قیصرامین‌پور و نحوه آشنایی‌اش با او در دانشگاه تهران چنین می‌نویسد:

فکر می‌کنم سال ۶۳ بود. بعد از رفتن به جنگ و باز شدن دانشگاه‌ها، رفته بودیم سر کلاس نشسته بودیم. من قیصر امین‌پور را آنجا دیدم. آقای امین‌پور از دامپزشکی و جامعه‌شناسی و چند تغییر رشته به آنجا آمده بود. آدم موبلند و تیپی شبیه خواننده پاپ، ناصر عبدالهی داشت. کیف چرمی ضخیمی زیر بغل خود می‌گرفت. اورکتی خاکی هم داشت. بچه جنوب و خیلی خون گرم بود. ما بچه‌های سردی هستیم که خیلی دیر دوست پیدا می‌کنیم، روابط عمومی ما ضعیف است... دستم تیر خورده بود و با آتل بسته بود. مشخص بود که از جبهه برگشتم. درس که می‌گفتند، نمی‌توانستم بنویسم. چون راست دست بودم. سر کلاس درس ادبیات معاصر آقای حمید زرین کوب بود. او (قیصر) تازه کتاب «در کوچه آفتاب» را نوشته بود. سر کلاس گاهی بحث و مجادله می‌کرد، نه اینکه بی‌احترامی کند ولی گاهی با آقای زرین کوب بحث ادبی می‌کرد. با همه کسانی که در کلاس ما بودند متفاوت بود. در پایان یکی از جلسات کلاس به من گفت: دست شما چی شده؟ جبهه بودین؟ گفتم بله. خود را معرفی کردم که پاسدار هستم و جبهه بودم و... او هم خود را معرفی کرد و گفت: من هم بچه جنوب هستم. این زمینه آشنایی ما شد. جلسه بعد که رفتیم، دید نمی‌توانم بنویسم، خطش خوب بود. برایم یادداشت می‌نوشت. خیلی دوستش داشتم. می‌دیدم او تنها دانشجویی است که سرش روی کاغذ نیست. همه هر چیزی که استاد می‌گفت، می‌نوشتند او فقط نگاه می‌کرد... گفت: دوست داری برای تو بنویسم؟ گفتم: من هم مثل این جماعتم. باید بنویسم و برم مرور کنم تا ببینم چی گفته. گفت برایت می‌نویسم. مانند کاتبی که کنار یک نفر می‌نشیند، شروع به نوشتن کرد...

حسام اما خاطرات خود را با امین‌پور در این کتاب به این همکلاسی محدود نمی‌کند و در چند صفحه بعد روایتی جذاب از دیدارش با امین‌پور سال‌ها پس از این اتفاقات روایت می‌کند:

۲۰ سال بعد با آقایان قزوه و اسرافیلی پیش ایشان رفتیم، در خانه شاعران. خیلی دوست داشتم ایشان را ببینم. حالا جنس کارم جوری شده بود که اقتضایش ارتباط با شاعران بود. تصمیم گرفتیم برای کنگره سراسری شعر دفاع مقدس جایزه‌ای به نام قیصرامین‌پور ترتیب دهیم. قرار شد جایزه‌ای هم به نام «سیدحسن حسینی» به شاعرانی که شعر عاشورایی دفاع مقدس گفته بودند، داده بشود. اما جایزه جوان تازه وارد به این فضا به نام قیصر باشد. ما پیش ایشان رفتیم... ایشان دیگر شاعری بزرگ و ملی شده بود. وقتی به قیصر نگاه کردم یکباره فروریختم. ضعفی بر تن داشت به خاطر تصادفی که کرده بود و آن وضعیت دیالیز شدنش. یکباره دلم سوخت. آن چهره نحیف که کاملا مریضی در سیمایش مشخص بود. چند لحظه به آن نگاه کردم. خیلی عادی سلام و علیک کرد... قزوه گفت: آقای امین‌پور ایشان را می‌شناسی؟ نگاه کرد و گفت: نه! همین‌طور به او نگاه کردم. گفت: باز دقت کن! گفت: چیزی در خاطرم نیست. کجا خدمت ایشان بودیم؟ گفتم: سال‌های جنگ، سال‌های دانشجویی در دانشگاه تهران، رشته ادبیات، طبقه پنجم، فلان استاد فلان درس. گفت بله شما؟ گفتم حسام هستم. حمید حسام. فکری کرد و بعد سرش را بالا برد و گفت: آهان. بلند شد و مرا در آغوش گرفت و یاد آن موقع افتاد. خیلی مجلس خودمانی شد.

حسام در ادامه خاطرات خود نوع برخورد قیصر امین‌پور با جایزه‌ای که به نام او نام‌گذاری شده بود را روایت می‌کند که در نوع خود جالب توجه است:

آقای قزوه خیلی راحت حرف می‌زد. گفت: می‌خواهیم جایزه‌ای به نام شما قرار بدیم. (قیصر) با آن تواضعی که همیشه داشت گفت: نه این کار را نکنین. بعد دیدم چیزی در روزنامه نوشته شده بود که ما را به حال خویش رها کنید و بگذرید. آقای قزوه با روشی که دارد ضمن اینکه برای دیگران حرمت قائل است، کار خود را انجام می‌دهد. ولی اگر من بودم، چون ایشان راضی نبود، شاید این کار را نمی‌کردم... بعدها بحث نام‌گذاری خیابان‌ها را مطرح کردیم. این هم باز از آن مقوله‌هایی بود که آقای قزوه گفت و رسانه‌ای شد. تا آنجایی که می‌دانم، انجام نشد.

در بخشی دیگر از خاطرات حمید حسام درباره زنده‌یاد قیصر امین‌پور و مطرح شدن این بحث که امین‌پور در سال‌های پایانی زندگی خود موضعی متفاوت با سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی داشت و همین برخی را دچار سوء تفاهم‌هایی درباره او کرده بود، حسام چنین روایت می‌کند:

گاهی آدم‌ها را با بیان صریح و مستقیم آنها می‌شود شناخت مثل موضوع گیری سیاسی. در صحبت‌های دو ساعته‌ای که با ایشان داشتیم از این جنس حرف‌ها نزدیم... او وقتی این ماجرا را دید و شنید (ایجاد کنگره شعر دفاع مقدس در بنیاد حفظ آثار) اصلا نگفت بنیاد این کار را نکند. من از خیلی از شاعرانی که در موضعی پایین‌تر از او بودند این را شنیده بودیم. اما ایشان این موضع را نداشت. به هیچ وجه این موضوعات را با مباحث سیاسی مخلوط نکرد. لااقل من آنجا ندیدم اما ملاحظاتی داشت که بر اساس تجربه شخصی ایشان بود. خاطرم هست در جلسه دیگری خدمت ایشان رفتیم و گفتیم که می‌خواهیم رشته ادبیات دفاع مقدس را در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های دولتی راه‌اندازی کنیم. سرفصل‌های آن را تعریف کردیم، منابع آن را تا حدی شناسایی کردیم و گفتیم می‌خواهیم از مشاوره شما استفاده کنیم. ایشان فرمایشی کرد و گفت: ببینید گاهی موضوعی از سمت ظرفیت‌های علمی خودش جایی پذیرفته می‌شود؛ گاهی با سفارش نهاد یا تشکیلات یا سازمانی. این شکل دوم... با تجربه‌ای که من دارم، در واقع از ناحیه عالمان آن موضوع، خیلی وقت‌ها آن را نمی‌پذیرند. بگذارید خود دانشگاه به این موضوع برسد.

در ادامه حسام به نقل قولی از دکتر سنگری در آن جلسه اشاره می‌کند که می‌گوید آن جمع به عنوان جوانان محصول انقلاب و درس‌خوانده ادبیات می‌خواهند بگویند ادبیات انقلاب دوره جدید را خلق کرده و می‌شود مقطعی را در ادامه ادوار ادبی به آن اختصاص داد. حسام روایت می‌کند که دکتر محمدرضا سنگری از مرحوم قیصر امین‌پور تقاضا می‌کند تا او این خواسته را بیان کند و با این پاسخ روبرو می‌شود: من به این حرف اعتقاد دارم اما نمی‌توانم این حرف را بزنم. حسام درباره نظرگاه امین‌پور نیز چنین تفسیر می‌کند: امین‌پور اصل این کار و اینکه این رشته ظرفیت ادبی دارد، یعنی حرفی برای دانشجو دارد را قبول داشت. اما اینکه می‌گفت خاستگاه آن، شروع و اقدام عملی کردن آن تشکیلات نهادی است، این بخش منفی آن است. حالا شاید آنها که می‌گویند امین‌پور موضع‌گیری داشته مثلا فکر می‌کنم از این جنس حرف‌هاست که خود من هم به مرور زمان به این رسیدم که حرف بی‌راهی نزده است. اگر موضوعی قبل از اینکه مولفه‌هایش در فضای دانشگاهی تالیف بشود، یعنی ظرفیت‌ها و درس‌نامه‌های آن مکتوب شود بیایید به عنوان توافق بین وزارت علوم و بنیاد حفظ آثار در قالب رشته تاسیس بشود، می‌شود همین که بعد از سال‌ها از این دوره، در بعضی درس‌ها هنوز استاد، آن متن و درس‌نامه را روی میز ندارد و از محفوظات و سلیقه و اطلاعات خود که عمدتا هم به تاریخ قبل از انقلاب بر می‌گردد، حتی می‌خواهم بگویم به هزاره ادبیات ما که به شاهنامه بر می‌گردد، از آنجا شروع می‌کنند. به این نتیجه رسیدم که قیصر خیلی ژرف‌نگر بود؛ اتفاقا با همه تعصبی که درباره این موضوع داشتم.

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه‌ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

با شعرای کرج

قصیده بلند عشق

در ازدحام درخشان انتظار
شستشو دادم
پلک هایم را در آئینه
با دست
بوسه ای فرستادم به آسمان
سلام دادم
به حلقه های بیدار آرزو
زمزمه کردم
قصیده بلند عشق را
زیر گوش مرغابی ها
و همبال سیمرغ
به پرواز در آمدم
در کهکشان آرزوها

بهروز قاسمی (رها)

خبرچه

تبلیغ برنامه‌های ترویج کتابخوانی در نمایشگاه کتاب فرانکفورت

مدیر کل دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از تبلیغ برنامه‌های ترویج کتابخوانی در هفتاد و یکمین نمایشگاه کتاب فرانکفورت خبر داد.

به گزارش پیام آشنا، ابراهیم حیدری از تبلیغ برنامه‌های ترویج کتابخوانی در هفتاد و یکمین نمایشگاه کتاب فرانکفورت خبر داد و گفت: همزمان با برپایی نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت در کشور آلمان، گزارشی از برنامه‌های ترویج کتاب‌خوانی در ایران به این نمایشگاه ارسال شده است.

وی ادامه داد: این گزارش‌ها در قالب چند فیلم مستند با زیرنویس انگلیسی، بروشور و کتاب و لوح فشرده هستند که به زبان انگلیسی ترجمه و در راستای دیپلماسی فرهنگی در نمایشگاه عرضه می‌شوند.

مدیر کل دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به معرفی ۹ نویسنده ایرانی و آثار آن‌ها در نمایشگاه کتاب فرانکفورت عنوان کرد: همچنین پرونده ۹ نفر از نویسندگان ایرانی که شامل معرفی و آثار آن‌هاست در قالب کتاب و لوح فشرده به این نمایشگاه ارسال شده است. این نویسندگان عبارتند از سوسن طاقدیس، احمد اکبرپور، محمدرضا شمس، آتوسا صالحی، سید نوید سید علی اکبر، مهدی رجبی، حمیدرضا شاه آبادی، آرمان آرین و عباس جهانگیریان.

بر اساس این گزارش، برنامه‌های ترویج کتابخوانی شامل جشنواره‌های روستاها و عشایر دوستدار کتاب، جشنواره تقدیر از مروجان کتابخوانی، برنامه انتخاب و معرفی پایتخت کتاب ایران و جام باشگاه‌های کتابخوانی کودک و نوجوان است که زیر نظر دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و با همکاری نهادهای دولتی و عمومی برگزار می‌شوند.

نمایشگاه کتاب فرانکفورت از ۲۴ تا ۲۸ مهرماه در شهر فرانکفورت آلمان دایر است و شهر یزد به عنوان پنجمین پایتخت کتاب ایران نیز در این نمایشگاه به معرفی برنامه‌های کتابخوانی خود می‌پردازد.

استقبال ناشران از چاپ دیجیتال و زینک‌های دولتی بدون مشتری

مدیر لیتوگرافی گفت: ناشران تیراژ کتاب‌های خود را کاهش داده و به سمت چاپ دیجیتال رفته‌اند و از آنجایی که زینک در چاپ دیجیتال کاربردی ندارد، بسیاری از زینک‌های دولتی بدون مشتری باقی مانده‌اند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایبنا، فرهاد عماد، مدیر لیتوگرافی عماد، با اشاره به رکود اقتصادی در میان تولیدکنندگان صنایع مختلف گفت: در این مقطع زمانی که مشکلات اقتصادی، بسیاری از فعالان بخش‌های مختلف را در گیر کرده است، متاسفانه برخی تصمیم گیری‌های مقطعی و کوتاه‌مدت موجب بروز نابسامانی شده است.

وی با توضیح درباره این موضوع، افزود: ماه‌ها پیش به دنبال بالا رفتن نرخ ارز و کمبود زینک در بازار، یک عزم کلی برای تامین زینک مورد نیاز لیتوگرافان ایجاد و میزان بالایی زینک توسط واردکنندگان به کشور وارد شد.

عماد یادآور شد: در یک برهه زمانی وضعیت به گونه‌ای شد که بسیاری از ناشران برای دریافت زینک مراجعه نکردند و حجم زیادی زینک در لیتوگرافی‌ها و انبارها باقی مانده است به‌طوری که چندی پیش مدیرعامل تعاونی لیتوگرافان تهران این موضوع را هم اعلام کرد.

وی با اشاره به دلایل استقبال نکردن ناشران از زینک‌های توزیع شده، عنوان کرد: مساله اینجاست که بخش عمده ناشران تیراژ کتاب‌های خود را کاهش داده‌اند و نتیجه این موضوع حرکت به سمت نشر دیجیتال است و از آنجایی که زینک در نشر دیجیتال کاربردی ندارد، این زینک‌ها بدون مشتری باقی مانده‌اند.

عماد با بیان اینکه نتیجه این موضوع ایجاد آشفتگی و پریشانی در بازار است، گفت: مساله اینجا است که نه تولیدکننده و نه لیتوگراف به درستی نمی‌دانند که باید چکار کنند و این موضوع در ادامه رکود کاری نوعی نابسامانی در بازار کار ایجاد کرده است.

وی تاکید کرد: سرمایه عظیمی برای تامین زینک مورد نیاز بازار در یک مقطع زمانی به کار گرفته شد که متاسفانه به دلیل اینکه به‌درستی کنترل و هدایت نشد، حجم زیادی از آن در بازار باقی مانده است.

عماد همچنین درباره قیمت این زینک‌ها در بازار و بالا بودن بهای آن‌ها نیز گفت: در سال ۱۳۹۵ که بهای دلار دولتی ۳۹۰۰ تومان و دلار آزاد ۴۲۰۰ تومان بود، قیمت هر ورق زینک شش هزار و ۷۰۰ تومان بود. این در حالی است که اکنون زینک با نرخ ارز دولتی، ۱۲ هزار تومان قیمت‌گذاری شده است.

"جویندگان عاطفه" ۰۲۶ ۳۲۵۴۰۰۹۹ روابط عمومی اداره کل بهزیستی البرز

اینجا بهشت کودکان است! شاید دیوارهای رنگارنگی دارد و کودکان لباس های شیک و اسباب بازیهای خوبی دارند و می خندند اما... آغوش مادر و دستان نوازشگر پدر را گم کرده اند. در عمق چشمان مربیان شیرخوارگاه بهزیستی استان البرز غم موج می زند و همیشه چشم انتظار ند ما در و پدر یکی از این کودکان شیرین زبان با دلتنگی به سراغ کوچولوهایشان بروند... برای آنها که از خانواده این کودکان اطلاعی در دست دارند.

فرزند جالیار در مورخ ۹۸/۰۶/۳۱ بدسرپرست و در بیمارستان کمالی متولد گردید و به علت نداشتن سرپرست موثر و حسب دستور مقام محترم قضایی در مورخ ۹۸/۰۷/۱۷ از طریق بیمارستان کمالی تحویل بهزیستی شده است. این آگهی جهت شناسایی والدین و سایر بستگان طفل چاپ شده است در صورت اطلاع از خانواده وی با شماره ۳۲۵۱۸۱۸۸-۰۲۶ تماس حاصل فرمایید.

فرزند محمدطاها در مورخ ۹۳/۰۵/۲۶ در خیابان رها شده و به علت نداشتن سرپرست موثر و حسب دستورم قام محترم قضایی در مورخ ۹۸/۰۵/۰۹ از طریق اورژانس اجتماعی فردیس تحویل بهزیستی شده است. این آگهی جهت شناسایی والدین و سایر بستگان طفل چاپ شده است در صورت اطلاع از خانواده وی با شماره ۳۲۵۱۸۱۸۸-۰۲۶ تماس حاصل فرمایید.